واژگان کلیدی

میانجی

میانجی‌گری

عدالت ترمیمی

عدالت قضایی

میانجی‌گری الگویی برای رفع تعارضات (روشی مؤثر در تحقق عدالت ترمیمی)

نوع مطالعه: گزارش موردی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۱۸

نویسندگان

لیلی احمدی*
کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران، استان داری استان البز شهرستان کرجئمی

* نویسنده مسئول

چکیده

زمینه: در یک جامعه مطلوب انسانی، برای حل تعارضات و اختلافات و نیز پاسخ‌دهی به نقض هنجارها، استفاده ابزارهای غیر قضایی از جمله اخلاق و عرف با کرامت انسانی سازگارتر بوده و توسل به آن‌ها از اولویت برخوردار است. میانجی‌گری بین طرفین دعوی (در دعاوی حقوقی و دعاوی کیفری واجد جنبه حق الناسی) و میانجی‌گری بین قاضی و مجرم - یا شفاعت (در امور کیفری حق اللهی) دو راه حل غیر قضائی برای حل و فصل دعاوی هستند. بطوری که جوامع مدرن نیز به اهمیت این منبع پی برده و به عنوان ابزاری برای رفع مخاصمات بویژه در حقوق بین الملل و حل اختلاف بین کشورها و دولت‌ها از آن استفاده می‌نمایند. در این مقاله یک نمونه میانجی‌گری با هدف کاهش و رفع تعارضات و گذشت خانواده مقتول به شیوه گزارش مورد شرح داده شده است.

مورد: در پاییز ۱۳۸۲ در یکی از روستاهای غرب کشور منازعه‌ای بین دو پسر عمو که همسایه دیوار به دیوار بودند بوقوع پیوست که این منازعه مقدمه‌ای شد برای کینه توزی و شبهات بعدی. چند صباحی بعد از این حادثه یکی از طرفین دعوی شب هنگام با احتمال وجود سارق در محل اقدام به شلیک چند گلوله که منجر به قتل پسر عموی خود می‌شود، می‌نماید.

روش درمان و حل مشکل: در این مقاله جزئیات رفع تعارضات و حل مشکل با استفاده از الگوی میانجی‌گری طی چهار مرحله ارجاع پرونده، اقدامات پیش از میانجی‌گری (آماده سازی)، میانجی‌گری و گفت‌وگو و پی‌گیری و تثبیت نتایج حاصله از میانجی‌گری گزارش شده است.

نتیجه‌گیری: هدف از مداخله میانجی حل موضوع مورد اختلاف است که در این مورد خاص نیز خانواده مقتول با دریافت دیه و با آزادی قاتل از زندان و بازگشت به وضعیت پیش از مخاصمه محقق گردید. اگرچه میانجی‌گری در مددکاری اجتماعی اکنون به عنوان یکی از رویکردهای حل مناقشه معرفی و برای آن فرایند و تکنیک‌های ویژه‌ای معرفی شده است، باید در نظر داشت که آشنایی به ویژگی‌های فرهنگی و استفاده از سازوکارهایی که برای حل مناقشه و میانجی‌گری در هر فرهنگی وجود دارد، می‌تواند در موارد میانجی‌گری بسیار تعیین کننده باشد. در مورد گزارش شده در این مقاله آشنایی میانجی با سازوکارهای بومی حل مناقشه در غرب کشور، بخوبی موفق شد ضمن خاتمه فرایند دادرسی، با برگزار کردن مراسم خون صلح و مشارکت دادن افراد محلی نسبت به تثبیت نتایج بدست آمده در فرایند میانجی‌گری اقدام کند.

نحوه استناد به مقاله: لیلی احمدی. میانجی‌گری روشی مؤثر در تحقق عدالت ترمیمی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (۱): ٤٤-۵۱

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]

Keywords

Mediation

Mediator

Restorative

Justice

Criminal Justice

Mediation an Effective Method for Appling Restorative Justice

Study Type: Case Study
Recived: 29 Apr 2014
Accepted: 8 Jun 2014

Abstract

Introduction: Mediation is an informal way of settling a dispute without relying on a legal judgment issued by a judge. The parties involved in mediation meet with a neutral third party to reach a mutually agreeable solution that will end a conflict. Parties are not forced to agree to a solution in mediation. Rather, the mediator facilitates communication to help the parties reach a mutual agreement. In this article a case of mediation has been reported.

Case: A conflict between two cousins in a village in west of Iran occurred in autumn of 2003. Some days later one of the cousins was killed by the other.

Intervention: Mediation techniques in four phases of referring, Preparedness, Discussion and Follow up and Sustaining the Results used for conflict resolution between two families.

Conclusion: Conflict resolution between two families and rebuilding their relations were main goals of mediation in this case. Mediation in social work is a very useful method for conflict resolution. It is so important to study the cultural characters of two parties and select and use the local methods of mediation to make the results sustainable. Khoon-Solh, was one of these potentials in west of Iran which the mediator used it successfully.

Authors

Lili Ahmadi*
MSc in Political Science from University of Tehran

*Corresponding Author

Please cite this article as follows: Ahmadi L. Mediation an Effective Method for Appling Restorative Justice. Quarterly Journal of Social Work. 2014; 3 (1):44-51

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]

مقدمه

بـه اعتقاد بسـیاری از طرفـداران عدالت ترمیمـی، میانجی‌گـری قدیمی‌تریـن و تأثیرگذارترین روشی است که امروزه نیز در نقاط مختلف دنیا مورد اسـتفاده قرار گرفته و از جهات مختلف از سـایر روش‌ها متمایز است. به یک معنا، می‌توان میانجی‌گری را سنگ بنا و جانمایه عدالت ترمیمی دانست. در روش میانجی‌گری فضایی ایجاد می‌شود کـه بزه دیده و بزه کار بتوانند به‌صورت رو در رو، بـدون هر گونه فشـار و اعمال نظر دسـتگاه کیفری بـا یکدیگر گفـت و گو نماینـد؛ بـزه‌کار از چگونگـی وقوع جرم و دلایـل و انگیزه‌هـای خـود از ارتـکاب آن؛ و بـزه دیده از خسـارت وارده ناشـی از بزه‌دیدگی و نیازها و خواسـته‌های خود سـخن گفته و روند سـازش و حل و فصل اختلافات را پی‌گیری می‌نمایند. در این بین شـخص ثالثی که بی‌طرف و فاقد منافع در ماجرا اسـت «میانجی» (Mediator) جریان گفت‌وگو را هدایت و مدیریت می‌نماید.

بررسـی‌ها حاکـی از آن اسـت کـه این روش در مناطقی که زندگی قبیله‌ای دارند، وجود داشـته (گـم، ۱۹۹۸) و دارد. امروزه با شهری شـدن جوامع و روند جهانی شدن و پیچده شـدن روابط اجتماعی، استفاده از میانجی‌گری کمتر به چشـم می‌خورد حال آنکه تعمیم این فرایند به نهادهای رسمی و غیررسـمی می‌تواند گام مهمی در راستای پیشبرد اهداف عدالت ترمیمی تلقی شود.

معنـی لغـوی واژه «میانجی‌گـری» (Mediation) وساطت بین دو یا چند طرف اسـت. از نظر اصطلاحی یکی از شیوه‌های سیاسـی- دیپلماتیک حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات است که در آن طرف ثالث که معمولاً یک کشـور، یک سـازمان بین المللـی و یا یک شـخصیت معـروف بین المللـی و یا محلی اسـت، بـه منظور پایان دادن و یا کاهش مناقشـه بین دو طرف درگیر اعم از دو کشور یا بین دولت مرکزی بـا گروه‌های مخالـف آن و در مقیاس کوچکتر بین افراد مداخله می‌کند و به طور دوسـتانه موضوعات مورد مذاکره بین آن‌هـا را مطرح و راه حل‌هایی با چالش‌هـای کمتر را دنبال می‌کند. واژه (میانجی‌گـری) در دو معنی به کار می رود: یکی وسـاطت بین دو طـرف متخاصم بـه منظور عفو طرف متجاوز به وسـیله قربانی یا زیـان دیده یا به منظور رفع اختلاف و ایجاد صلح و سـازش بین آن دو، دیگری، پایمردی و وسـاطت نزد حاکم (قاضی) به سـود مجرم و گناهکار به منظور عفو بخشـش خطای او یـا تخفیف درمجازات وی(۲). درفرهنـگ و حقوق اسـلامی میانجی‌گری در هر دو معنای آن به کار رفته است.

از آنجا که گسـترش یک اختلاف یا منازعـه بین دو یا چند طرف ممکن اسـت دامـن دیگران را نیز بگیرد معمـولاً طرف‌های ثالث به منظور جلوگیری از گسـترش اختلاف و پیشگیری از ضرر احتمالی برای خود به عنوان میانجی وارد عرصه می‌شـوند تا هر چه زودتر آن منازعه و اختلاف پایان یابد.

دقت‌نظـر در سـنت‌ها و آیین‌های تاریخـی اقوام مختلف، نشـان می‌دهد کـه میانجی‌گری فراینـدی نوین از سـاز و کارهای دیرین حل و فصل منازعات اسـت که در قالب نهادهـای مختلف ظهور و بروز پیدا کرده اسـت. با بررسی مبانی اعتقاد و عرفی ایران، تقارن و همانندی ویژه‌ای بین آموزه‌های دینی و آداب و رسـوم کهن ایرانی و مبانی نهاد میانجی‌گری دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در توصیه‌های دینی، اصطلاحاتی از قبیل شـفاعت و وساطت که دارای معانی مشابه میانجی‌گری اسـت، مورد تأکید قرار گرفته است. در نوشتار حاضر ضمـن تبیین مفهوم میانجی‌گری، چگونگی اسـتفاده از این ابزار در قالب گزارش مورد شرح داده می شود.

پس از یـک دوره سـلطه نسـبتاً انحصاری حقـوق، خصوصا در قلمرو پاسـخ بـه پدیده‌های مجرمانه، امـروزه در غرب گرایش روز افزونی به سـوی خروج از سیسـتم عدالت کیفـری، «قضاز دایی» و «اجتماعی سـازی» هر چه بیشتر پاسخ به جرم و انحراف بوجود آمده و در «همسـایگی» حقوق کیفری، انواع جدید پاسخ‌های اجتماع به «موقعیت های مسـئله دار» شکل گرفته است. از جمله «میانجی‌گری» سازمان یافته به عنوان «استراتژی نوین اجتماعی» مطرح و مورد توجه و عمل قرارگرفته است (http://www.vijiran.com).

برنامه‌های میانجی‌گری که از نیمه دهه هفتاد قرن بیستم نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داده اسـت، نخسـتین بار در سال ۱۹۷۷ با ابتکار یکی از ماموران تعلیق مراقبتی در کشـور کانادا جلوه‌گر شـد و سـپس به شـهرهای دیگر کانادا و آمریکا منتقل شد. مأمور تعلیق مراقبتـی پیـش گفته، در یکی از شـهرهای ایالـت آنتاریو به قاضی

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]

پیشنهاد کرد که دو جوان که به اتهام تخریب در قالب Vandalism محکوم شده بودند با بزه‌دیدگان روبه‌رو شوند و پس از موافقت قاضی، صدور حکم تعلیق مراقبتی موکول به خسارت‌زدایی و جلب رضایت خاطر بزه‌دیده شد. پس از این تجربه، میانجی‌گری مورد حمایت مالی دولت و حمایت معنوی کلیسا قرار گرفت و در اواخر دهه هفتاد، از کانادا به آمریکا و سپس به اروپا منتقل شد. میانجی‌گری که ریشه در اندیشه قضازدایی از رهگذر احاله اختلاف‌های ناشی از پدیده مجرمانه به میانجی‌گری و قبول نوعی کدخدا منشی در حل و فصل منازعات دارد، اهمیت و منزلت و نقشی غیرقابل انکار را در ترسیم سیاست عدالت کیفری مشارکتی ایفا کرده است (سماواتی، ۱۳۸۵).

رگه‌هایی از این تفکر را می‌توان در میان اقوام مختلف مشاهده کرد. اکنون در کشورهایی مانند نیوزیلند و کانادا و در بخش‌هایی از آمریکا، سنت‌ها و شیوه‌های ویژه اقوام مائوری و برخی از اقوام اسکیموها، لاکوتاها و داکوتاها از جمله میانجی‌گری در قالب نهادهای خاصی در نظام عدالت کیفری نهادینه شده است.

میانجی‌گری کیفری فرایندی سه جانبه است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری، بر اساس توافق قبلی شاکی و بزه‌دیده با متهم یا بزه‌کار، با حضور شخص ثالثی به نام «میانجی‌گر یا میانجی» به‌منظور حل و فصل اختلاف‌ها و مسایل مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می‌شود. «میانجی‌گر» که عضوی از جامعه مدنی است، در فرایند میانجی‌گری سعی می‌کند بزه‌کار و بزه‌دیده را در ارتباط باهم قرار دهد و زمینه دیدار، گفت‌وگو و مذاکره و طرح مطالبات و خواسته‌های متقابل آن‌ها را فراهم کند؛ دیدگاه‌ها و مشکلات آن‌ها را به زبان دیگری برای آن‌ها بازگو و شفاف نماید. و بدین‌سان به آن‌ها کمک کند تا مکنونات قلبی خود را بیان کرده و تسلی روحی پیدا کنند؛ خسارات مادی و عاطفی و روانی بزه‌دیده ترمیم شود؛ تکالیف و تعهدات بزه‌کار نسبت به بزه‌دیده، جامعه و خود در آینده مشخص شود و میزان مسئولیت‌های طرفین در وقوع جرم تعیین شود. بنابراین در فرایند میانجی‌گری کیفری، بزه‌دیده و بزه‌کار طی جلسات متعدد، با دیدار و گفت‌وگوی مستقیم یا در صورت لزوم غیرمستقیم، به یک راه حل مرضی الطرفینی در مورد اختلاف کیفری خود دست می‌یابند؛ بدون این که میانجی نظر یا رأی خود را به آن‌ها تحمیل کند. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲). لیکن قریب به سه دهه است که با افول نظام عدالت کیفری سنتی و ظهور مکتب عدالت ترمیمی، فصل نوینی از مداخلات جامعه محلی و نقش بخشی به این نهاد در روند اجرای عدالت گشوده شده است و افراد جامعه محلی که نهایتاً در حد شاهد یا مجری حکم در اجرای عدالت مداخله داشته‌اند، امروزه در لوای روش‌هایی هم چون میانجی‌گری، فرصت حضور در کانون اصلی اجرای عدالت را پیدا کرده‌اند.

فرایند میانجی‌گری معمولاً به دو روش مستقیم (Direct Mediation) و غیرمستقیم (Indirect Mediation) انجام می‌پذیرد. در روش مستقیم، بزه دیده و بزه‌کار بی‌واسطه پای میز مذاکره می‌نشینند و باهم مذاکره می‌کنند و میانجی نیز مذاکرات را اداره می‌نماید، اما بعضاً اوضاع و احوال پرونده و شرایط موجود و جرم ارتکابی به نحوی است که امکان رو در رویی طرفین وجود ندارد و این امر ممکن است باعث ایجاد تشنج و وخیم‌تر شدن اوضاع شود. مانند دختری که مورد تجاوز به عنف واقع شده است یا خانواده‌ای که فرزندشان به طرز فجیعی به قتل رسیده است. در چنین مواردی از روش میانجی‌گری غیرمستقیم استفاده می‌شود. در این روش، میانجی با هر یک از طرفین به طور جداگانه مذاکره کرده و نظرات اطراف دعوی را به هم انتقال می‌هد و بعضاً نیز بزه دیده و بزه‌کار از طریق وسایلی از قبیل تلفن و نامه مذاکره می‌کنند (طالع زاری، ۱۳۸۹).

پیداست که وجود و موفقیت راه حل‌های غیر قضایی برای فصل دعاوی از یکسو و اصلاح منحرفین و مجرمین از سوی دیگر مستلزم وجود زمینه‌های مناسب آموزشی و پرورشی است.

در یک نظام اسلامی، از یک سو، باتوجه به انسجام وتماس موجود بین افراد جامعه، که از آن به اخوت ایمانی یاد می‌شود، زمینه مناسبی برای حل تعارضات وتزاحمات ازطرق غیر قضایی وجود دارد. بطوریکه میانجی‌گری شخص ثالث بین اطراف دعوی به منظور حل اختلاف و رفع دعوی بدون توسل به طرق قانونی و قضایی رسیدگی، بسیار مورد توجه وتوصیه شارع مقدس اسلام بوده است. این قلمرو شامل بخش اعظم دعاوی حقوقی (مدنی) وآن دسته از

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]

دعاوی کیفری می‌باشد که جنبه خصوصی (حق الناسی) آن غالب و تعقیب ومجازات مجرم منوط بـه اراده و مطالبه قربانی یا اولیاء دم، دانسته شده است (جرائم قابل گذشت).

این گونه میانجی گری یا به ابتکار شخص میانجی و صرفاً به صورت دخالت و کوشـش مصلحانه به منظور نزدیـک کردن مواضع طرفین بـه یکدیگر و ایجاد سـازش بیـن آن‌ها به عمل می آیـد، یا با تعیین شخص ثالثی توسط دادگاه یا با تراضی طرفین به دخالت یک یا چند نفر به منظور حل اختلاف و ایجاد سـازش محقق می‌شـود. صـورت نخسـت، تحت عنوان (اصلاح ذات البین) در آموزش‌های اخلاقی و حقوقی اسـلامی مـورد توجه و تایید قرار گرفته اسـت. شـکل دوم را نیز می‌توان در قالـب (حکمیت) یا داوری که درحقوق اسلامی مطرح است بررسی نمود.

مورد

در پاییز سـال ۱۳۸۲ در یکی از روسـتاهای غرب کشور منازعه‌ای بین دو پسـر عمو که همسایه دیوار به دیوار بودند بوقوع پیوسـت که این منازعه مقدمه‌ای شد برای کینه توزی و شبهات بعدی زیرا یکی از طرفین دعوی که شب هنگام با استفاده از تاریکی شب و عدم اطلاع از حضور پسرعمو برای مراقبت از خرمن و احتمال وجود سارق در محل اقدام به شـلیک چند گلوله می‌نماید که منجر به قتل پسـر عموی خود می‌شود. ضارب جسد پسر عمو را بر ماشین سوار و به پاسگاه محلی می‌برد و اعلام می‌نماید که "به دلیل تاریکی شب و ندیدن پسر عمویم فکر کردم دزد به خرمن ما زده و برای دفاع از اموالم چند گلوله شلیک نمودم که به پسرعمویم اصابت نموده". خانواده مقتول با تاکید بر نزاع مقدماتی پیش آمده و اصرار بر اطلاع قاتل از حضور مقتول بر سـر خرمن این اقدام را عمدی دانسـته و درخواست قصاص قاتل را داشـتند. در این بین وساطت بزرگان و افراد ذی نفوذ محلی به دلیل عدم مهارت‌های لازم برای حل و فصل موضوع بی‌نتیجه ماند. در نهایت دادگاه رای به شبه عمد بودن قتل و پرداخت یک دیه کامل و جلب رضایت اولیاء دم را صادر نمود. از طرفی خانواده قاتل توان پرداخت مبلغ دیه را نداشتند لذا قاتل مدت مدیدی را (بیش از ۵ سال) در زندان سپری نمود. خانواده وی نیز مجبور به ترک منزل و املاک خود و متحمل ضرر و زیان فراوان شـده بودند به طوری که ادامه این وضعیت طرفین دعوی را خسـته و به استیصال رسـانده بود. پرونده زمانی به میانجی ارجاع شد که وساطت و پا در میانـی مکـرر بزرگان ایل و قوم موثر نبوده و موضوع فیصله نیافته بـود، عزم و تلاش خانواده مقتول برای اثبات عمدی بودن قتل و اجرای حکم قصاص بی‌نتیجه مانده بود، خانواده قاتل نیز در وضعیت اسـتیصال و آوارگی غیر قابل تحمل بسر می‌بردند و قاتل نیز به دلیل اعسار از پرداخت دیه اقامت در زندان را تا یوم الاداء پذیرفته بود.

روش درمان و حل مشکل

در این مورد خاص برای حل مشـکل از روش میانجی گری استفاده شد. فرایند میانجی گری معمولاً طی چهار مرحله ارجـاع پرونده، اقدامـات پیش از میانجی گری (آماده سـازی)، میانجی گری و گفت وگو و پی گیـری و تثبیت نتایج حاصلـه از میانجی گری انجام می‌شـود. در ادامـه جزئیات مربوط به این مراحل به منظور حل مناقشـه میان دو خانواده آورده شده است:

الـف - مرحلـه ارجاع پرونده: فرآینـد میانجی گری با ارجاع پرونده به مرجع میانجی گر آغاز می‌شـود. ارجاع می‌تواند از طریق مسئولان سیستم‌های حقوقی و یا از طریق مَراجع غیررسمی انجام شود. در مورد فوق، ارجاع از طریق مَراجع غیررسـمی انجام شد. به این ترتیب که تعدادی از افراد مطلع و ذی نفوذ محلی از میانجی درخواست کردند که برای حل و فصل مشکل اقدام نماید.

ب- مرحلـه اقدامات پیش از میانجی گری: مرحله آماده سـازی در موفقیت میانجی گری از اهمیت بسـیاری برخوردار است. در این مرحله میانجی در مورد هویت طرفین پرونده، نوع اختلاف آن‌ها و مسائل و جزئیات مربوط به پرونده اطلاعات دقیقی را جمع آوری نمود. مطالعه اسناد موجود وگفتگو با افراد مطلع مهمترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این مرحله بودند. سپس با هدف جلب اعتماد طرفین و آماده‌سازی آن‌ها برای مذاکره در جلسات مشترک گفتگوهـای جداگانه با بزه‌دیده و بزه‌کار انجام شـد. در گفتگوهای مقدماتی همـه اعضای خانواده طرفین مورد توجه

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]

قرار گرفتند اما ترغیب افراد ذی نفوذ در خانواده طرفین که مخالفت احتمالی آن‌ها با حل و فصل مشکل می‌توانست موجب متوقف شدن فرایند میانجی‌گری شود (همانطور که پیش از آن نیز روی داده بود) با اولویت مد نظر قرار گرفت. به این منظور میانجی گفتگوهای بیشتری را با آن‌ها ترتیب داد و آن‌ها را به حمایت از فرایند میانجی‌گری ترغیب کرد.

در مذاکرات مقدماتی به ترتیب از بزه‌کار و سپس بزه‌دیده جهت حضور در این فرایند دعوت به عمل آمد؛ چرا که اگر ابتدا رضایت بزه‌دیده جلب می‌شد و سپس بزه‌کار جهت حضور موافقت نمی‌کرد، آزرده شدن بزه‌دیده می‌توانست موجب پیچیده‌تر شدن و یا حتی ناممکن شدن حل و فصل مشکل شود.

بخشی از این گفتگوها به صورت تلفنی انجام شد چرا که رو در رویی میانجی و طرفین اختلاف و دادن اطلاعات کامل به آن‌ها، می‌توانست انگیزه حضور در گفت‌وگوها را برای آنان به حداقل رسانیده و آن‌ها را از حضور در جلسات مشترک منصرف کند. در این مرحله میانجی با ارائه توضیحات لازم در مورد فرایند میانجی‌گری و نحوه و کیفیت انجام آن، برداشتی مبتنی بر واقعیت از این فرایند برای اطراف نزاع به وجود آورد و تلاش کرد فضایی را ایجاد کند تا طرفین با اختیار و آگاهی لازم نسبت به آن چه در این فرایند اتفاق خواهد افتاد، حضور در چنین فضایی را انتخاب نمایند. در این میانجی‌گری ۱۰ مذاکره با قاتل و خانواده‌اش و ۱۵ مذاکره با خانواده مقتول در این مرحله انجام گرفت.

ج- مرحله میانجی‌گری و گفت‌وگو:

۱- برگزاری جلسه مشترک: پس از آنکه میانجی از آماده بودن طرفین اطمینان حاصل کرد، با ترتیب دادن جلسه‌ای این امکان را فراهم کرد که بزه‌دیده و بزه‌کار بدون واسطه، با حضور میانجی و دوستان و حامیان خود در جلسه، با یکدیگر گفت‌وگو کرده و احساس و نظر خود را در ارتباط با جرم به وقوع پیوسته بیان کنند. در این جلسه که در فروردین ۱۳۸۷ مهر ماه خاتمه در محل روستا محل اقامت خانواده‌ها برگزار شد، ۱۲ نفر شرکت داشتند (۸ نفر از طرف بزه دیده و ۴ نفر از طرف بزهکار). به این نکته توجه شده بود که تعداد شرکت کنندگان از حد مشخصی بیشتر نشود تا طرفین در جلسه فرصت کافی برای گفتگو داشته باشند. در ابتدای جلسه، میانجی ضمن معرفی خود، در رابطه با هدف و نحوه برگزاری جلسه توضیحاتی را برای حاضرین بیان کرد. با طرح چند سئوال از بزه‌دید (در زمان ارتکاب جرم چه اتفاقی افتاد؟ ... وقتی متوجه شدید فرزندتان از دنیا رفته است، چه کردید؟ ...اکنون چه احساسی دارید؟ و ...) گفتگو در مورد موضوع را آغاز کرد. سپس همان سئوالات از بزهکار پرسیده شد. در ادامه میانجی از سایر حضار درخواست کرد اگر مطلبی را در پاسخ به این سئوال ها دارند، بیان کنند. پس از جمع‌بندی و ارائه بازخورد به حاضرین، ضمن مرور مجدد دلیل برگزاری جلسه و تأکید بر تلاش و حسن نیت همه در خصوص حل و فصل مشکل نظر طرفین را در مورد خسارات وارده به بزه‌دیده و نحوه جبران آن جویا شد و به طرفین کمک کرد به تصمیم قابل قبول برای هر دو طرف دست یابند. طرف بزه دیده در ابتدا بر اخذ دیه و نفی بلد تأکید داشت. میانجی با مرور دشواری‌هایی که در طول سال‌های گذشته هر دو طرف تجربه کرده بودند از طرف بزه دیده خواست از نفی بلد صرفنظر کنند. میانجی توافقات نهایی را در پایان جلسه مکتوب کرد و به امضای اطراف نزاع و سایر حضار رسانید و به هر یک از بزه‌دیده و بزه‌کار یک نسخه تحویل داد.

۲- حمایت‌یابی برای اجرای تعهدات بزهکار: از آنجایی که یکی از دلایل عدم خاتمه مناقشه میان طرفین در این مورد عدم توان مالی خانواده قاتل برای پرداخت دیه بود، میانجی با حمایت‌یابی به خانواده قاتل کمک کرد بخشی از مبلغ دیه را تهیه کنند. در عین حال با حمایت‌یابی میانجی از مراجع رسمی، بخش دیگر دیه نیز از محل صندوق دیات دادگستری تامین گردید.

به این ترتیب پرونده در سیستم قضایی مختوم و حکم آزادی قاتل صادر شد.

د ـ مرحله پی‌گیری نتایج حاصل از میانجی‌گری:

در این مرحله که از آن به عنوان ضمانت اجرای فرایند میانجی‌گری نام می‌برند، میانجی تلاش کرد اعتبار این مداخله و توافق‌های صورت گرفته را نزد طرفین دعوا و توفیق این مذاکرات را در نظر جامعه تثبیت نماید. میانجی با دقت چگونگی اجرای توافق‌ها را دنبال می‌کرد و در صورتی که در اجرا و یا تفسیر مفاد

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]

توافقات ابهام خاصی وجود داشت، ضمن گفتگو با بزه‌دیده و بزه‌کار به آن‌ها کمک می‌کرد نسبت به حل آن اقدام و توافقات مذکور را در کمترین زمان ممکن عملی کنند.

برگزاری مراسم خون صلح برای حصول اطمینان از پایبند بودن طرفین به تعهدات اقدام تعیین کننده‌ای بود که برای تثبیت دستاوردهای میانجی‌گری انجام شد. مراسم خون صلح به دلیل اینکه در فرهنگ مردم غرب ایران پذیرفته شده و معتبر است، بهترین انتخاب تلقی می‌شد. این مراسم که بیش از ۵۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند، با هدف افزایش فشار اجتماعی برای پایبندی طرفین به تعهدات برگزار شد. میانجی با اجرای دقیق مراحل قبلی اطمینان حاصل کرده بود که برگزاری جلسه خون صلح به مناقشه جدید منتهی نخواهد شد.

جلب اعتماد طرفین دعوی، انتقال نظرات و سخنان طرفین دعوی در قالب الفاظ و جملات فنی و تاثیرگذار، پرهیز از سخن چینی و یا نقل به مضمون برخی بیانات، اثبات بی‌طرفی نسبت به طرفین دعوی و حفظ نقش مصلحانه از جمله ملاحظات اخلاقی بودند که در فرایند میانجی‌گری مورد توجه قرار گرفت. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عدم توفیق بزرگان و سران محلی در حل و فصل مناقشه ناشی از برخورد طرفین دعوی و متهم نمودن آنان به جانبداری و عدم بی‌طرفی بود. از این رو در برخی موارد که میانجی با بی‌احترامی‌هایی از سوی طرفین دعوی مواجه می‌شد، با سعه صدر در صدد جلب اعتماد آنان بر می‌آمد. از سوی دیگر اختیاری و داوطلبانه بودن ورود بزه دیده و بزه‌کار به فرایند میانجی‌گری و ادامه داوطلبانه آن تا پایان فرایند میانجی‌گری مورد توجه قرار داشت.

بحث و نتیجه گیری

یکی از انتقادات اساسی وارد بر کلیت نظام عدالت کیفری، گرانی و هزینه‌بر بودن آن است. منتقدین معتقدند که این نظام در عین انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی و انسانی، در تحقق عدالت و حل معمای بزه‌کاری به توفیق چندانی دست نیافته است. شاید بتوان یکی از علل این ناکامی را هجمه پرونده‌هایی دانست که سنگینی آن‌ها فرصت هرگونه ابتکار عملی را از نظام کیفری و قضایی سلب کرده است. جریان میانجی‌گری و امکان احاله بخشی از پرونده‌ها به این فرایند، افزون بر این که بار دستگاه عدالت کیفری را سبک‌تر و جریان اجرای عدالت را تسهیل می‌کند، هزینه اجرای عدالت را تقلیل داده و مدل عدالت کیفری را کارآمدتر می‌نماید و مددکاران اجتماعی می‌توانند در بسیاری موارد به عنوان میانجی اقدامات مؤثری انجام دهند.

فرآیند میانجی‌گری کیفری، از ابزارهای سرکوب‌گری که باعث گسست و اختلال بیشتر در جامعه می‌شود، بهره‌ای نمی‌برد و با تمسک به روش‌های غیرکیفری از ایجاد این اختلالات و پس‌آمدهای ناشی از آن جلوگیری می‌کند و نهایتاً این فرایند باید با تقابل بزه‌کار و جامعه محلی و اخذ تضمین‌های لازم از بزه‌کار در جهت جلوگیری از وقوع جرم، جامعه محلی را از ترس ارتکاب مجدد بزه توسط مرتکب رهایی داده و آرامش را به پیکره اجتماع بازگرداند.

در نظام حقوقی و آموزشی ماکه ملهم از اسلام است، زمینه گسترده‌ای برای کاربرد میانجی‌گری، به عنوان یک وسیله غیر قضایی حل تعارضات وجود دارد. لذا شایسته است قانونگذار اسلامی با بذل توجه به (میانجی‌گری بین مجرم و حاکم) در جرایم قابل عفو توسط حاکم گام موثری در جهت اجتماعی سازی حل تعارضات و پاسخ به نقض هنجارها بردارد.

هدف از مداخله میانجی در یک موضوع، ختم دادرسی و فیصله موضوع مورد اختلاف است که در این مورد خاص نیز با دریافت دیه توسط خانواده مقتول، آزادی قاتل از زندان و بازگشت به املاکش، بازگشت به وضعیت پیش از مخاصمه محقق گردید.

اگرچه میانجی‌گری در مددکاری اجتماعی اکنون به عنوان یکی از رویکردهای حل مناقشه معرفی و برای آن فرایند و تکنیک‌های ویژه‌ای معرفی شده است، باید در نظر داشت که آشنایی به ویژگی‌های فرهنگی و استفاده از سازوکارهایی که برای حل مناقشه و میانجی‌گری در هر فرهنگی وجود دارد، می‌تواند در موارد میانجی‌گری بسیار تعیین کننده باشد. در مورد گزارش شده در این مقاله آشنایی میانجی با سازوکار های بومی حل مناقشه در غرب کشور، بخوبی موفق

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]

شـد ضمن خاتمه فرایند دادرسی، با برگزار کردن مراسـم خون صلح و مشارکت دادن افراد محلی نسـبت به تثبیت نتایج بدسـت آمده در فرایند میانجی‌گری اقدام کند.

در مـوارد غیـر قتل در این بـاره گفته‌اند: حقـوق قربانیان جرایم، یکـی از مهم‌ترین موضوعـات آیین دادرسـی کیفری جدید اسـت و حـال آن که تـا این اواخـر برای بزه‌دیده در محاکمه کیفری به عنوان مدعی خصوصی حق ناچیزی شـناخته می‌شد، اما امروزه بزه‌دیـده در حقوق کیفری موقعیتی ممتـاز دارد؛ تا بدان حد که سـخن از یک سیاسـت جنایی مبتنی بر حقوق بزه‌دیدگان است (گسن، ۱۳۷۰).

ایـن تحـولات در نقـش بزه‌دیـده در فرآیند رسـیدگی کیفری سبب شده است که امـروزه حقوق‌دانان بـرای بزه‌دیده در رسیدگی‌های کیفری نقش ویژه‌ای در نظر گیرنـد. بزه‌دیده بر اثر ارتـکاب جرم مورد آسـیب شـدید مادی و معنوی قرار گرفته است و گاه رو به رو شدن و صحبت کردن با متهم برای بزه‌دیده، مهم‌تر و ارزشـمندتر از اجـرای مجازات اسـت. بنابراین یکی از اهداف میانجی‌گری، تخلیه عاطفی و روانی بزه‌دیده اسـت و در ادامـه، حمایت از وی همدردی از ناحیه همراهان حاضر در جلسه اسـت. بزه‌کار می‌تواند در بازگرداندن اعتماد به نفس از دسـت رفته بزه‌دیـده و جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد وی، نقش اساسـی را ایفا کند. مهم‌ترین هدف میانجی‌گری جبران خسارت بزه‌دیده است. در این نشست‌ها، سعی بر آن است که با تعیین دقیق میزان خسارات وارده به بزه‌دیده، که شامل خسارات مادی و معنوی است در کمترین زمان و به بهترین شکل خسارات وارد به وی جبران شود.

جان برایت ویت در سال ۱۹۸۹ نظریه سرشماری باز اجتماعی‌کننده را مطرح کرده و عقیده دارد افراد مورد قبول بزه‌کار از قبیل دوستان، خانواده و ریش سفیدان باید به نحوی که به شخصیت بزه‌کار خدشه‌ای وارد نشـود، وی را شـرمنده کرده و به نحوی مثبت، او را بیدار کنند تـا به جامعه بازگـردد (به نقل از طالـع زاری، ۱۳۹۲). تحقق این امر در فرایند میانجی‌گری تسهیل می‌شود. جریان میانجی‌گری می‌تواند فضای مناسـبی را ایجاد کند تا طی آن، بزه‌کار در جریان مشـکلات و خسـاراتی که از فعل مجرمانه وی به دوش بزه‌دیده، اطرافیان وی و جامعه محلی بار شـده، قرار گیرد و نتایج و عواقب وخامت بار عمل خود را مشـاهده کند. میانجی‌گری باید احساس مسئولیت بزه‌کار را در قبـال بزه‌دیده برانگیزد و با ایجاد آگاهی، وی را ترغیب به جبران خسارت و حل مشکلات بزه‌دیده و عذرخواهی از او کند.

این فرآیند می‌تواند برای بزه‌کار نیز مزایایی به دنبال داشـته باشـد. از جمله این که وی را در معرض اعلام گذشـت از ناحیه شاکی قرار داده و با توافقات صورت گرفته و نظر مسـاعد بـزه دیده و مجریان میانجی‌گری، ضمانت اجراهای کیفری را محدود و مضیق کند.

میانجـی باید فضای مشـارکتی را جهت مداخلـه جامعه محلی در مذاکرات سازشـی و اجرای عدالت فراهم کرده، احساس مشارکت را در این نهاد ایجاد کند. و جهت ترمیم گسست‌های اجتماعی ناشی از جرم، ترتیبی اتخاذ نماید.

منابع

Gasen, Raymond. (1991). Applied Criminology. Translation: Mahdi Keinia, Tehran: Allame Tabatabaei University.

Gehm, John R. 1998. "Victim-Offender Mediation Programs: An Exploration of Practice and Theoretical Frameworks." Western Criminology Review 1 (1). Available at: http://wcr.sonoma.edu/v1n1/gehm.html.

Mediator's Role in Conflict Resolution, Available at: http://www.vijiran.com

Najafi Abrand Abadi, Ali Hossein and Hashem Beigi, Hamid. (1998). Encyclopedia of Crimonilogy. Tehran: Shahid Beheshti University.

Samavati Pirouz, Amir. (2006). Restorative Justice: Criminal Justice Gradually Balancing or its Changing. Tehran: Nega-e_Bineh.

Sabbaghian, Ali. What is Mediation? Available at: http://www.hamshahrionline.ir/details/21398

Tale Zari, Ali. (2013). Mediation; An Old Conflict Resolution Mechanism. http://www.ettelaat.com/etiran/?p=44846

Tale Zari, Ali. (2010). Restorative Justice: New Strategy, Renaissance in Criminal Justice. Journal of Isfahan Lawyers. 48 and 49.

Vaezi, Mahmood. (2005). Theoretical Bases of International Mediation. http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=866

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-11]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.5.6]